

کتابخانه آسمایی

« سحر و سید، جرس بانگ زرد، امید شکفت »

جوانان و جامعه

فرید « مزدک »

کتابخانه آسمایی

گفتنی



جزوه حاضر توضیح عام در باره جوانان، جای و موقف آنان در جامعه و ویژگی های ساختارنی، نقش، صلاحیت و وظایف تاریخی و دشواری های زندگی آنان میباشد. همچنین در جزوه کوشش شده است، بصورت عام چگونگی اشتراك جوانان در جریان مبارزه طبقاتی و در این جریان نقش سازمان جوانان، چگونگی این سازمان و اشکال مبارزات آن روشن گردد.

قرار است در بخش دیگری که قسمت دوم این نوشته خواهد بود بصورت مشخص و فشرده وضع جوانان افغانستان، جنبش جوانان و سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان مورد ارزیابی قرار گیرد.

قسمت دوم در آینده بدسترس دوستان قرار خواهد گرفت.

فهرست

صفحه	عنوان	
۱	جوانان و جامعه	(الف)
۱	جامعه	-۱
۲	جوانان	-۲
۴	موضع طبقاتی جوانان	-۳
۷	ایدئولوژی جوانان	-۴
۱۰	نقش و وظایف جوانان در جامعه	-۵
۱۴	نیرو و صلاحیت تاریخی جوانان	-۶
۱۹	زندگی دشوار جوانان	-۷
۲۱	جوانان و مبارزه طبقاتی:	(ب)
۲۱	مبارزه جوانان	-۱
۲۳	سازمان جوانان:	-۲
۲۴	خصیلت سازمان جوانان	(الف)
۲۵	مبارزه صنفی و سیاسی سازمان جوانان	(ب)
۲۷	مبارزه علنی و مبارزه مخفی سازمان جوانان	(ج)

مطبعة دفاع ملی

الف - جوانان و جامعه

۱ - جامعه :

انسان را باید در درون جامعه، در انبوه رابطه‌ها و مناسبات متشکله آن دید و مورد پژوهش قرار داد. زندگی انسان دور و برون از جامعه هیچ و پوچ است و همینطور جامعه بدون انسان و روند زندگی انسانها معنا و مفهومی را که دارد نخواهد داشت یعنی جامعه و انسان لازم و ملزوم یکدیگر اند. ولی صرف و تنها با همی و تجمع مکانیکی و عادی، انسانها را نمیسازد، چون جامعه پروسه‌ای است وسیع، چند جانبه و با پهلوهایی گوناگون، عناصر متشکله آن نیز باید افرادی با آنچنان ویژگی‌هایی باشند که کار و فعالیت آنها پوره کننده جوانب و پهلوهایی مختلف این پروسه باشد. با همی در جریان کار و تولید بین انسانها یک نوع مناسبات بخصوص را پیدا میکند، مناسبات و روابط تولیدی، پس جامعه شکل گروههای انبوهی از انسانهاست که با هم زندگی میکنند و با هم روابط و مناسبات گوناگون دارند، اما اساسی‌ترین رابطه که ستون فقرات جامعه است همان رشته و پیوند آنها با هم در تولید نعمت‌های مادی و رابطه آنها با وسایلی است که توسط این وسایل نعمت‌ها را تولید میکنند.

جامعه همیشه با محمل زمان به پیش تاخته، از کوره راه‌های پر خم و پیچ گذشته و مضمون‌ها و چهره‌های گوناگون بخود گرفته است.

ولی با هر شکل و مضمونی که بوده یک عنصر منحنیث وجه اشتراك در همه اشکال و انواع آن وجود داشته و این عنصر انسان زحمتکش میباشد. انسان قهرمان نخستین جامعه است البته با ایزاری که این قهرمان توسط آن تولید میکند. انسان با گونه های مختلف در عرصه های مختلف جامعه فعالیت میکند، از کار عظیم تولیدی در زمینه های وسیع و پشت ماشین های غول پیکر گرفته تا پرورش و رشد نسل های نو و جوان، از مدرسه تا کارهای شاق و پردرد ورنج در درون خانواده همه و همه را انسان انجام میدهد.

ما اکنون به پژوهش در مورد یک توده سیال، زورمند و نوپای جامعه که جوانان اند میپردازیم.

۴- جوانان :

جوانان که نوباوگان جامعه اند سرشت سرشار از استواری و شهامت دارند. این توده دارای تحرك و دینامیسم فراوان است. نقش جوانان در جنبش کارگری جهان قایل دقت و محاسبه میباشد.

برای اولین بار به موقف، نیرو و ویژگی های این توده سیال رهبران پرولتاریای جهانی متوجه شدند.

آنها عملاً دیدند که جوانان دارای قدرت و توان انجام مهمترین وظایف اند و بنأ معتقد بودند که از این قدرت و توان آنها، از این نیروی شگرف آنها بسود جامعه استفاده شود.

این کتله جامعه که در سنین معین با خواسته ها و آرزوهای معین میتواند دور هم جمع شوند، متشکل شوند و برای بدست آوردن هدف های معینه خویش برزمنند هیچگاه از توجه گردانهای پیشآهنگ

(۳)

کارگران جهان بدور نبودند. این گردانها به جوانان زمینه های پرورش و رشد همه جانبه و کاردهی آنان را فراهم نمودند .
لنین در پاسخ به ادعا های ناخرسندانۀ عدۀ ایکه میگفتند در حزب چرا جوانان کارگر اکثریت دارند این سخن انگلس را نوشت :

« آیا طبیعی نیست که در نزد ما ، در حزب انقلاب جوانان اکثریت دارند؟ ، ما حزب آیندۀ ایم و آیندۀ به جوانان تعلق دارد ، ما حزب نوآوران هستیم و جوانان همواره با علاقه از نوآوران پیروی میکنند ، ما حزب مبارزۀ فداکارانۀ برضد پوسیدگی و انحطاط هستیم ، و جوانان همیشه نخستین کسانی هستند که برای چنین مبارزۀ ای آماده اند. » (۱)

رهبران طبقۀ کارگر جهانی با چنین برداشتی از جوانان به انقلابیون فرمان کار در بین جوانان را دادند . گرمی ، پرشوری ، شهامت ، نیرو و جسارت همیشه در جوانان وجود دارد که این خصال برای یک میمن پرست واقعی و برای هر فرد انقلابی سخت لازمی و ضرور است .

وقتی جوانان و دانشجویان روسیه تزاری برضد حکومت ددمنش تزار دست به تظاهرات زدند لنین چنین نوشت :

« در بین جوانان کارگر کشش پر شور و سدنا پذیری بسوی اندیشه های دموکراسی و سوسیالیسم مشاهده میشود و از میان روشنفکران مانند گذشته یارانی بسوی کارگران می شتابند . با اینکه زندانها و تبعیدگاهها سر ریزه شده اند. » (۲)

و مادر کشور خود این کشش پر شور و سدا نهدیر را با چشم سر می بینیم ، می بینیم که در وضعیت بغرنج و پردرد فعلی جوانان ما پسر و دختر با چه شهادتی سر بلند برچم بدست کوره راه انقلاب را می پیمایند و برای فتح و تسخیر آینده ، آینده بسیار نزدیک می رزمند . جوانان برای جنبش ملی و دموکراتیک کشور ما امید بزرگی هستند . آنها در تمام نیروها و طبقات جامعه شامل اند و در تمام نیروها و طبقات جامعه جایی و مقامی دارند که در نبرد انقلابی فعلی صفاستواری را میتوانند بیارایند و بنا بر آن کار جهت بسیج و تشکل این قشر از وظایف مبرم پیشاهنگ انقلابی میباشند .

۳ - موضع طبقاتی جوانان :

در مورد موقعیت و موضع طبقاتی جوانان از دیدگاههای مختلف طرفهای مختلف وجود دارد . عده ای جوانان را « طبقه » مجزا از طبقات دیگر و از لحاظ اقتصادی مستقل میدانند ، عده ای این پدیده را از لحاظ ساختمان به هیچ گرفته مورد ارزیابی قرار نمیدهند .

ولی ارزیابی موقعیت جوانان در جامعه و موضع طبقاتی آنها جهت شناختن کامل آنها ضرور است .

جوانان در جامعه مصروف کارهای مختلف و ناهمگون هستند یعنی در عرصه های مختلف زندگی و وظائف مختلف را اجرا میکنند ، بدین اساس عده ایشان بدون اینکه در تولید اجتماعی شرکت داشته باشند از نتایج آن برخوردار می شوند و عده هم از تولید اجتماعی با شرکت در پروسه تولید برخوردار میگرددند . جوانانی که تحصیل میکنند اکثراً مخارج درسی آنها از طرف خانواده تامین میشود این بخش از جوانان در امور تولیدی سهمی ندارند ولی از نتایج تولید بهره میگیرند و استفاده

میکنند، اینها بعد از پایان دوره آموزش و تحصیل نیز بدسته های مختلف اجتماعی می پیوندند و در بخش های گوناگون جامعه فعال میشوند، مگر یک بخش بزرگ جوانان مستقلانه در امور تولیدی و غیر تولیدی جامعه بکار میپردازند برای خود و اکثرآ به خانواده های که سر بوظند خوراك و پوشاك تهیه مینمایند و یا اینکه دوشا دوش بزرگان خانواده بکار میپردازند. بنآء جوانان از مواضع مختلف گردهم میبایزند از فرزندان مالکان خورد و بزرگ و سرمایه داران و خرده بورژوازی گرفته تا کارگران، دهقانان و دیگر اقشار و طبقات جامعه. چون جوانان همه مشخصات یکسان و همگون طبقاتی ندارند پس آنها را یک طبقه اجتماعی گفته نمیتوانیم زیرا آنها خاستگاه های مختلف طبقاتی دارند و یگانه وجه مشترك شان جوان بودن آنها است بنآء یک قشراند.

بهترین معك و ملاك سنجش چگونگی ماهوی توده جوانان و عناصر ساختمانی آن جامعترین تعریفی است که لنین از طبقه بدست داده است.

«طبقات گروه های بزرگ انسان است که از جهت مقامشان در سیستم معین تولید اجتماعی از جهت رابطه شان با وسایل تولید (که اکثرآ در قانون تحکیم و فورمول بندی شده است) از جهت نقش شان در سازمان اجتماعی کارولذا از جهت شیوه دریافت و میزان آن ثروت اجتماعی که در دست دارند با یکدیگر متفاوت اند...» (۳)

در رابطه با این تعریف موقعیت اجتماعی و موضع طبقاتی و ماهیت این توده اجتماعی را مورد دقت قرار دهیم.

۱ — جوانان بمثابه یک گروه در تولید اجتماعی کدام مقام معین ندارند. بنأء تفاوت مقام «درسیستم تولید اجتماعی» بین آنها اصلاً مطرح نیست.

۲ — جوانان بصورت یک جمع واحد بایک هویت مشخص و یگانه طبقاتی وجود ندارند، همه بصورت یکپارچه در یک موضع معین طبقاتی قرار ندارند و بصورت یکپارچه و یکسان باوسایل تولید ارتباط ندارند. بنأء مسئله مربوط بودن و نبودن جوانان باوسایل تولید در تثبیت هویت طبقاتی آنان به آن صورتیکه در تثبیت هویت یک طبقه معیار است مطرح نیست.

۳ — وقتیکه در مجموع جوانان منجیث یک کتله واحد دارای مقام معین در سیستم تولید نیستند به همین ترتیب مثل یک طبقه باوسایل تولید رابطه ندارند پس دارای نقش ویژه‌ای در سازمان اجتماعی کار نیستند و همچنین به علت ناهمگونی عرصه‌های کار و قرار داشت اجتماعی شیوه دریافت و میزان ثروتی که در دست دارند نمیتواند معیار سنجش موضع و موقف طبقاتی آنان گردد.

چون جوانان نماینده‌های طبقات و اقشار مختلف جامعه هستند پس در اینصورت است که میگوئیم جوانان یک قشر اجتماعی اند مختلط و مرکب از وابستگان به طبقات گوناگون اجتماعی که در میان آنها علاوه بر وابستگان طبقات استثمار شونده، وابستگان طبقات استثمارگر نیز وجود دارد. باحفظ اینکه جوانان در عرصه‌های مختلف فعالیت اجتماعی قرار دارند اما صرفنظر از وابستگی طبقاتی خود بعلت وضع همانند خود بعنوان جوان دارای منافع مشترك معین هستند. این منافع مشترك معین منافع صنفی آنها بعنوان جوان است.

۴- ایدئولوژی جوانان :

از آنجائیکه جوانان از لحاظ طبقاتی خاستگاه های گوناگون دارند و یکدست و یکسان نیستند طبعاً هر جوان ایدئولوژی همان طبقه را دارد که وابسته به آن است، جوانی که از طبقه کارگر برخاسته ایدئولوژی آن نیز مربوط به طبقه کارگر است. همینطور جوانی که به بورژوازی مربوط است ایدئولوژی بورژوازی را دارد، به عبارته دیگر جوانانی که به طبقات حاکم پیوند دارند دارند ایدئولوژی طبقات حاکم و جوانان که وابسته به طبقات محکوم اند از لحاظ ایدئولوژی یک نیز وابسته به طبقات محکوم میباشند.

باید در مجموع نحوه تاثیر ایدئولوژی های مختلف را در بین جوانان دید و گرایش عمومی جنبش جوانان را در جهان مورد دقت قرار داد.

مبارزه ایدئولوژیک یک بخشی از مبارزه طبقاتی طبقه کارگر را تشکیل میدهد، هر نیروئی که درین مبارزه شرکت میکند حتماً دارای یک ایدئولوژی هم است، آن نیرو از خود طرز تفکر معین، نقشه دولتمداری معین، نظرات معین و در مجموع مسلک معین دارد. ولی چون نیروهائی که در جامعه مصرف پیکار و مبارزه اند زیاد اند لذا اولاً باید دید که هر نیرو ایدئولوژی ویژه خود را که از دیگران متفاوت است دارد و یا اینکه در حقیقت ایدئولوژیها محدود است.

جامعه از اقشار و توده هائی متشکل است که از لحاظ اقتصادی دارای نقش یکسان نیستند و طبقات نام دارند آنها را بصورت عمده میتوان در دو دسته ارزیابی کرد :

۱- طبقات استثمار کننده یا بهره کش که وسایل تولید را در مالکیت دارند و در جریان تولید شرکت ندارند، در جامعه ما ملاکان فئودال و سرمایه داران اساسی ترین طبقات استثمار کننده هستند، اینان از خود ایدئولوژی خاص خود را دارند. تلاش ایشان در آنجهت است که تمام جامعه را مطیع و وابسته خویش سازند از یکسو با تبلیغات زهر آگین ایدئولوژی یکی خویش اذهان را مغشوش میکنند و از سوئی هم نقش ایدئولوژی دشمن را که ایدئولوژی کارگری است با طرحهای نفی مبارزه ایدئولوژیک و «ایدئولوژی زدائی» ضعیف و کم جان میسازند ایدئولوژی همین طبقات در جوامع طبقاتی مبتنی بر استثمار ایدئولوژی حاکم را تشکیل میدهد در رابطه با جوانان مهمترین نوع فعالیت این ایدئولوژی تبلیغ انٹی کمونیزم و انٹی سویتیزم و سوق دادن جوانان در متجاربهای فساد اخلاقی و فحشاء میباشد.

۲- طبقات استثمار شونده یا بهره ده که وسایل تولید را در مالکیت خود ندارند ولی خود در جریان تولید شرکت دارند و جزء نیروهای مولده هستند، در جامعه ماد حقان و کارگران مهمترین طبقات استثمار شونده هستند، اینها نیز از خود ایدئولوژی دارند که ایدئولوژی دوران ساز طبقه کارگر است.

این ایدئولوژی امروز بمثابة پرچم نبرد در پیشاپیش جنبش ضد امپریالیستی جهان بلند است و در بین توده های وسیع تمایل و کشش بسوی آن زیاد است.

جنبش جهانی جوانان که بخشی از جنبش ضد امپریالیستی جهان است امروز قویتر از پیش به این ایدئولوژی میگراید.

و دیگر اقشار متوسط یا خرده بورژوازی، که هم مالک و سایل تولید هستند و هم مستقیماً در تولید شرکت دارند مانند پیشه وران شهرها و دهات که شامل مولدین خرده پا، پرچون، فروشان صاحبان صنعت دستی و غیره اند. اینها هم از خود مسلکی و نظریاتی دارند ایدئولوژی اینان مانند موضع طبقاتی ایشان ناستوار و متزلزل است، اینان بخاطر حفظ منافع خویش به هر طبقه از جامعه که ایجاب کند می پیوندند.

از میان تمام این نیروهای جامعه جوانان با منافع خاص صنفی خود دور هم جمع میشوند و نیروئی را از هر لحاظ با خصوصیات معین تشکیل میدهند، جوانان در مبارزات خویش فطرتاً نوجو، مترقی، انقلابی و پیشروانند. زود به اندیشه های پیشرو و انقلابی کشانیده میشوند و در کاروان ترقی و رهائی از چنگ هرگونه ظلم شرکت می کنند، اینجاست که آنها از ایدئولوژی خود می برند و به آن ایدئولوژی می پیوندند که درین راه هادی آنها باشد. از همین جاست که ما تمایل وسیع جوانان را به اندیشه های دموکراسی و سوسیالیسم می بینیم، از همین جا است که جوانان تمام جهان با ایدئولوژی های مختلف « برای همبستگی ضد امپریالیستی صلح و دوستی » گردهم می آیند.

بناء جنبش جوانان با سمت ضد امپریالیستی خود بیشتر زیر تأثیر ایدئولوژی طبقه کارگر است کسانیکه به این ایدئولوژی معتقد اند با بدست داشتن همین جقایق است که بسوی جوانان روی میاورند، در بین آنان نفوذ میکنند و آنها را با ایدئولوژی طبقه کارگر مجهز و یا نزدیک می سازند و قویاً به پرورش ایدئولوژیک

آنها می پردازند و باشیوه افتناع واستدلال درراه ریشه کن نمودن بقایای ایدیولوژی های ارتجاعی در جوانان می رزمند، جوانانی که باسوابق ذهنی طبقاتی خویش گردهم جمع میشوند و از لحاظ ایدیولوژیک وابستگی خود را به خاستگاه های اصلی طبقاتی خویش حفظ میکنند، باید بانرمش و نیروی استدلال با تکیه برتجربه ها باموازین ایدیولوژیک آنها مبارزه و پیکار شود و گذاشته نشود که آنها باقیمانده های ایدیولوژی بورژوازی و خرده بورژوازی را بهر شکلی که باشد حفظ کنند و رشد دهند، آنها را باید از هر گونه روحیه ای اندوید یا لیستی (مقدم شعر دن منافع فردی برمنافع اجتماعی) بدوربرد.

با آموزش، تبلیغ و ترویج و سیع ایدیولوژی طبقه کارگر یعنی مارکسیزم - لنینیسم و آموزش پراتیک انقلابی با کنترل دقیق جریان رشد و پرورش و تصحیح بموقع اشتباهات و لغزش های ایدیولوژیک بامبارزه بی رحمانه افتناعی علیه هرگونه انحراف ایدیولوژیک که به جنبش جوانان لطمه وارد کند و جریان عادی پرورش ایدیولوژیک و آبدیدگی جوانان را کند سازد. و با بیان و تشریح سر بلندانه اصول ایدیولوژیک خویش میتوانیم به پرورش و آبدیدگی ایدیولوژیک این قشر پردازیم.

۵ - نقش و وظایف جوانان در جامعه :

جوانان یک بخش و سیع از جامعه را دربر گرفته اند با تحرك و نیرومندی که دارند میتوانند ارتش بزرگی را در ساختمان جامعه بسازند بنأ درنوسازی جامعه دارای نقش فعال و درحد توان خود هستند.

جنبش ضد امپریالیستی جهان هم در جوامع پیشرفته بورژوازی و هم در جوامع رو به رشد که راه رشد غیر ساما به داری را در پیش گرفته اند به جوانان و نقشی که آنها در روند پیشرونده انقلابی بازی میکنند سخت نیازمند است، جنبش طبقه کارگر در وجود نیروهای مبارز و پرشور جوانان گرمترین هم‌رزم خویش را حس میکند.

جوانان مانند هر نیروی پیشرو و مترقی موظفند تا در راه مبارزه برای طرد نظام‌های پوسیده قرون وسطائی و بورژوائی گام نهند علیه اخلاق و ایدئولوژی بورژوازی برزمنند و یکجا با موج نیرومند جنبش ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتورهای فاشیستی، ضد زورگویی و ضد انواع انحرافات پیکار کنند.

جوانان ما میتوانند با درک عمیق و پیروی از مواد برنامه سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان (س - د - ج - ا) و وظائف سیرم س - د - ج - ا در امر حله انقلاب ملی و دموکراتیک و دوران کنونی رشد جنبش کشور ما نقش فعالی در مبارزه ضد امپریالیستی ایفا نمایند و علیه تمام مظاهر غیر انسانی فئودالیسم و بورژوازی به مبارزه برخیزند و آن نقشی را که تاریخ بدوش آنها سپرده است بعهده گیرند. رهبران طبقه کارگر جهانی به خوبی به اهمیت نیروی جوانان پی برده بودند و می‌دانستند که این نیرو میتواند سنگر مستحکم و استواری را در نبرد برضد طبقات حاکم مستمگر بسازد. لنین رهبر پروتاریای جهان وقتی که گامهای نخستین را در راه ایجاد حزب مارکسیستی طراز نوین میگذاشت نوشت:

«شماحتماً ما را با نیروهای جدید، با جوانان با محفل‌های تازه

مربوط کنید . فراموش نکنید که نیروی سازمان انقلابی در تعداد رابطه های آنست» (۴)

در این نیروهای جدید، در جوانان قوتی و اطمینانی بود که آموزگار زحمتکشان جهان چنین ادعا میکرد و حزب پیشاهنگ توده های ملیونی را به تاسیس رابطه های هر چه بیشتر با توده های وسیع دعوت میکرد .

چون رسالت جوانان مبارزه علیه هرگونه سیاه فکری و رکود ذهنی و علمیه انواع ایدئولوژی های ارتجاعی و ایدئالیستی است و این وظایف را فطرتاً به اساس طبع سرشار و نوجوئیکه دارند عهده دار شده اند . پس باید در راه تجمیز خود با ایدئولوژی مترقی ، با مارکسیسم — لنینیسم تلاش نمایند و بیاموزند ، و باز هم بیاموزند . هم چنین آگاهی خویش را از تمام جریانات فکری بلند ببرند تا آنسکه با هر پدیده محیط خویش با یک فهم و آگاهی قبلی برخورد کنند و دچار اشتباه نشوند و یا کمتر اشتباه کنند . ولی آموزش که جزء زندگی جوانان است و این قشر در هر لحظه زندگی خویش مکلف است بیاموزد ، تنها اشنائی با کتاب نیست دانش صرف کتابی دردی را دوا نمیکند ، باید آنرا با پراتیک و مبارزه اجتماعی پیوند داد ، توأم ساخت آموزش برای آنست که عمل مادرست صورت گیرد ، ما وقتی به پراتیک پیشینیان رومی آوریم که در جریان پراتیک خود ، پراتیک جاری و روزمره دچار بندش شویم و ناچار به تجارب انسان گذشته مراجعه میکنیم و می آموزیم که چه باید بکنیم ، ما وقتی خود را مؤظف میدانیم ، تا در ساختمان جهان نودست اندر کار باشیم و مدعی

هم هستیم که نوجوترین نیروی جامعه میباشیم و بیش از هر کسی از هر نوآوری و ابتکار استقبال میکنیم باید گنجینه ای از تجارب و سلاح قوی معنوی برای انجام این وظیفه در اختیار داشته باشیم این سلاح را، تجارب را و دانش را باید هر چه جدیتر یادگیریم و بکار بندیم، هر لحظه از هر شکست و هر پیروزی باید آموخت، از خمشها و پیچشهای انسان پیکار جوی گذشته بیاموزیم تا از خم و پیچهای کوره راه تکامل، استوار و خوب بگذریم. ما نیروی انجام اینکارها را در خویش داریم، باید این نیرو را سازمان دهیم تا نقش تاریخی خود را ایفا کنیم و وظایف خود را انجام دهیم.

نیروهای جوانان، چه کارگران و چه دانشجویان برای جنبش عمومی انقلابی، سخت لازمی اند. لنین خاطر نشان میساخت که:

« ما به نیروهای جوان احتیاج داریم. من اگر میتوانستم توصیه میکردم که هر کس را که جرأت میکند بگوید که ما دم نداریم صاف و ساده پای دیوار بگذارد، در روسیه آدم فراوان است. فقط باید آنها را جلب کرد، وسیعتر و جسورانه تر، جسورانه تر و وسیع تر، باز هم وسیعتر و باز هم جسورانه تر و بدون ترس باید جوانان را جلب کرد. سخن بر سر آنست که باید با سرعت فوق العاده ای تمام کسانی را که دارای ابتکار انقلابی هستند متشکل کرد و بکار واداشت ازین ترس نداشته باشید که آنها تربیت نشده

اند، از فقدان تجربه و ناپختگی آنها نگران نباشید» (۵)

آری! پیشاهنگان، زحمتکشان و جنبشهای انقلابی به نیروهای جوان احتیاج دارند، بناء تاریخ به تمام نیروهای جوان دستور میدهد تا در رفع این (احتیاج) برزند و وظیفه جوانان

فقط همین است که آنها سهمی را که در پروسه دگر سازی جهان خویش بعهده دارند انجام دهند. تضمین چگونگی آینده جنبش بدست جوانان است. جوانان باید بدانند که آینده به آنها تعلق دارد تا آنکه آگاهانه در راه ساختمان آینده احساس مسؤلیت کنند و متناسب به آن وظایف خویش را انجام دهند.

۶- نیرو و صلاحیت تاریخی جوانان :

درست است که جوانان دارای نیروی سرشار و قدرت تحرك فوق العاده هستند، پرکار و خستگی ناپذیر اند، کوبنده و جنگ آوراند و در بکار انداختن این نیرو و توان از سوی تاریخ هم رسالتی دارند که باید آنرا انجام دهند. ولی این قشر نیرومند در ضمن توانائی دارای صلاحیت تاریخی معین است. جوانان به تنهایی نمیتوانند جامعه را بسازند، نمیتوانند رهبر و پیشوای انقلاب باشند و من حیث یک قشر نمیتوانند تنها آرزو و امید فر دا باشند.

جوانان وظایف تاریخی خویش را فقط و فقط در زیر پرچم طبقه کارگر انقلابی میتوانند به انجام برسانند چنانچه در اسناد کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری (مسکو ژوئن ۱۹۶۹) آمده است که :

« کمونیست ها برای اعتلاء جنبش جوانان ارزش عالی قائلند و خود فعالانه در آن جنبش شرکت میکنند... » « تنها اتحاد نزدیک با جنبش کارگری و پیش آهنگ کمونیستی میتواند دور نماهای واقعا انقلابی را برای جوانان بکشد »

آنها وقتی میتوانند نقش تاریخی خویش را ایفاء نمایند که رهبری طبقه کارگر را بپذیرند، با ایدئولوژی طبقه کارگر صمیمانه بپیوندند و در راه پرورش و آموزش ایدئولوژیک خویش صرف نظر از هر نوع وابستگی طبقاتی که دارند متناسب به موازین ایدئولوژی طبقه کارگر بپردازند و مطابق صلاحیت تاریخی خود عمل کنند.

ایدئولوگ های بورژوازی با دوبرداشت غلط از دودیدگاه غیر علمی مسئله جوانان را می سنجند. یا جوانان را توده ناکاره، خام، کم تجربه و ناتوان و احساساتی معرفی میکنند، تحقیر میکنند و ازین راه برضد جنبش مترقی جوانان تبلیغات زهرآگین پخش مینمایند و به خیال خودشان از اهمیت این جنبش می کاهند و نقش برجسته آنرا انکار می نمایند و یا برعکس آنقدر سالوسانه و آنهم از یک موضع فوق العاده ضعیف به جوانان نگاه میکنند که گاه آنها را تنها امید فردا مینامند و یگانه رهبران جنبش و نهضت به اصطلاح مترقی میشمارند و تا آن حد برای جوانان نقش و صلاحیت قایل میشوند که اصلاً این قشر دارای آنقدر نقش و صلاحیت نیست.

کمونیست ها در ارزیابی و تشریح نیرو و صلاحیت جوانان از هر دو گرایش انحرافی که در بالا ذکر شد بدوراند، نه جوانان را ناتوان و بیچاره میدانند و نه تمام امید های خویش را به آنها و فقط به آنها بسته میکنند. آنها معتقد اند که توده پر تحرك جوانان میتواند در جامعه وظایفی را انجام دهد و در انجام این وظایف میهن صلاحیت تاریخی عام و تام دارد منظور ما از صلاحیت تاریخی اینست که يك نیرو و قوت اجتماعی در دگرگونی های

جامعه خویش بسوی تکامل و پیشرفت تاچه حد امکانات ایفای نقش و انجام وظیفه را دارا است و درچه مقام و موضعی از جامعه قرار دارد. درست است که جوانان نیرومند و کوبنده اند ولی نظر به مقام و موضع خاص اجتماعی و امکانات دست داشته در روند تکاملی جامعه باید بدستور و فرمان انقلابی ترین طبقه یعنی پرولتاریا کار و مبارزه نمایند. وظایف تاریخی خویش را انجام دهند طبقه کارگر که صلاحیت رهبری و پیشاهنگی جنبش را بعهده دارد تمام توده های زحمتکش را بدنال خویش میکشاند و آنها را در راه ساختمان دنیای نوهدایت میکند. این صلاحیت بخاطری به این طبقه گذاشته شده است که مقام آن در پروسه تولید مشخص، استوار و مهم است، جوانان از چنین مقامی برخوردار نیستند. اما هیجان و تحرکی که این قشر را فرا گرفته باعث آن میشود که در جنبش های کارگری هم در حدود صلاحیت تاریخی خویش در حساس ترین مواضع عمل کنند و حساسترین نقش را ایفا نمایند و بزرگترین وظیفه را انجام دهند. در چنین مواقعی لهن حتی این سوال را مطرح میکرد که :

«شاید تاریخ در نبرد قطعی نیز نقش آن گردانی را بدانشجویان محول کرده است، که پیکار را آغاز میکنند؟» (۶)

و دانشجویان یک بخشی از جوانان اند که در مورد شان این سوال مطرح شده است «در جنبش عظیم و بی مانند خلق ایران بر ضد دیکتاتور فاشیستی محمدرضا، دانشجویان نیروئی رهبری کننده بودند یا پیشروترین گروه همارا تشکیل میداده اند» (۷)

(۲) چنانچه در گزارش هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده

ایران در شانزدهمین پلینوم کمیته مرکزی این حزب آمده است :
 « بویژه باید از نقش دانشگاهیان و دانشجویان در این جنبش یاد
 کرد. » (۸)

اردوی سوسیالیزم که پرچم بدست در قلب لشکر سرمایداری
 امپریالیستی در عصر فروپاشی نظامهای مستعمراتی و اوج جنبشهای
 رهایی بخش ملی و زمان تشدید بیش از حد تضاد های درونی
 سرمایداری به پیش میتازد . اردوئی است که محمل قویتر و نیروی
 جاذبتری را برای جوانان تشکیل میدهد تا آنرا به شورش
 خشمگین بر ضد نظام سرمایه داری و کشش پرشور و سد ناپذیری
 بسوی اندیشه های پیشرو بر انگیزد و گاه چنانکه تجربه سالیان
 اخیر نشان داده حتی نقش آغاز گر پیکار را به آنان محول کند .
 تردیدی نیست که جنبش جوانان و دانشجویان از کمبودها
 و معایب ، از اشتباهات و انحرافات مبری نیست و نمیتواند باشد ،
 مهم بودن هدف ها ، افکار تخیلی و غیر واقع بینانه ، شیوه های
 سکتاریستی ، چپ روانه و ماجراجویانه ، انحرافات انا و شیستی ،
 ترسکیستی و مائوئیستی وجود اختلاف و تفرقه و حتی نفوذ عناصر
 مشکوک در جنبش جوانان دیده میشود. اینها از یکطرف نتیجه
 ناپختگی سیاسی و ایدئولوژیکی و از طرفی دیگر ناشی از
 وابستگی های طبقاتی آنها است . ولی جوانان با همه اشتباهات
 و کمبودهایی که دارند در کار برد قوت و انجام وظایف خود
 از باعزمتترین عناصر اند . لنین در لحظاتی که روسیه در حالت
 جهش انقلابی بسر میرد نوشت :

« برگزیدن باعزمت‌ترین عنا صر (ضربه کاران ما ، جوانان

کارگر و نیز بهترین ملوانان) و تشکیل دسته های کوچکی از آنان

برای اشغال مهمترین مراکز و برای شرکت در همه جا و در تمام عملیات مهم « (۹) در تاریخ ، جوانان تا این حد هم دارای صلاحیت بوده اند که برای تسخیر مهمترین مراکز گماشته شدند و در حساسترین حالات اجرای وظیفه مینمودند .

جوانان در ایفای نقش و انجام وظیفه دارای صلاحیت معین اند و استفاده درست از این صلاحیت و اجرای وظایف بصورت پیروزمندانه آن فقط تحت رهبری طبقه کارگر امکان پذیر است .

در لحظات حساس و تعیین کننده که جنبش جوانان میتوانند کارهای بزرگ و مهم را انجام دهند نیز نباید از زیر پرچم طبقه کارگر دور شوند و به بیراهه بغلتند که در آن صورت آنها از صلاحیت تاریخی خویش نه به نفع جنبش کارگر فته اند و نه وظایف خویش را انجام داده اند . جنبش جوانان یک بخشی از جنبش عمومی است ، جزء آنست و جنبش عمومی وقتی میتواند دست آورد بزرگ کمائی کند که در پیشاپیش آن آگاهترین آبدیده ترین ، باعزمت‌ترین و پادشمن طبقاتی خویش آشتی ناپذیرترین طبقه یعنی طبقه کارگر قرار داشته باشد .

جوانان در جین اجرای وظایف خویش نباید غره شوند و بلند پروازی کنند و به نقش پیشا هنگی طبقه کارگر و به صلاحیت بزرگ تاریخی این طبقه به دیده شک بنگرند تا آنکه همیشه برای جنبش کارا باشند .

۷- زندگی دشوار جوانان :

جوانان مادر در یای پرتلاطم زندگی چون پر کاهی دستخوش امواج اند. آنها از لحظه ای که چشم باز میکنند با معایب و ناهنجاری های محیط روبرو میگردند و چون رشد میکنند و بعد بلوغ میرسند خود را با کوهی از مشکلات روبرو میکنند، وسیله کار و تحصیل برای اکثریت آنان فراهم نیست، زندگی جوانان ما با زیچه سرنوشت است، ترقی و پیشرفت آنها در جامعه تصادفی است بورژوازی که در نجات جوانان از آغوش نفرت خیزد نیای پوسیده فیودالی و محدودیت های اختناق آور خودی ناکام مانده است همیشه پیرامون مسائل جوانان به بحث ها و ارزیابی های غیر واقع بینانه دست می زند و فقط زندگی پر تنوع آن گروه کوچکی از جوانان خانواده های ثروتمند را برخ همه میکشند که از نعمات زندگی بخوبی برخوردار هستند، ولی بزنگی دشوار و پررنج این توده خروشان ورشد یا بنده وقتی میتوانیم بصورت درست پی ببریم که در اعماق زندگی اجتماعی در جوامع مبتنی بر استثمار فرد از فرد وقت کنیم.

جوانان در محیط کار رنج میبرند، جلو رشد آنها گرفته میشود و نظام سرمایهداری هیچگاه قادر نخواهد بود این رنج را رفع نماید، فقط با مرگ اوست که راه حل این مشکلات باز میگردد جوانان دانشجو نیز در محیط تعلیمی دچار مشکلات فراوانند، امپریالیزم با تمام قوت در راه انحراف آنان از مسیر جنبش پیشرونده بکار و کوشش وسیع تبلیغاتی در مقیاس جهانی دست میزند اعتماد به مخدرات و آلودگی با فحشا به کثیف ترین نوع آن اکثر

جوانان کشور های پیشرفته سرمایه داری را در سراشیب سقوط قرار داده است . انبوهی از این امراض در وجود نشرات سکسی و توسط باند های قاچاق به بیشرمانه ترین صورت در حال رخنه بجوانان کشور های روبه رشد است . بورژوازی کمپرادور تنها به تبلیغ تجارتي کالاهای انحصارات دست نمیزند بلکه در عین حال مساعد ترین محمل برای انتقال فرهنگ منحط و فاسد امپریالیستی در زندگی مردم این کشور ها بویژه در زندگی جوانان است . سعادت جوانان با سوسیالیزم پیوند ناگسستنی دارد ، سوسیالیزم برای این نیروی سیال - خروشان زمینه پیشرفت و نیروی شگوفانی را میگشاید ، فقط آنجاست که جوانان بصورت مصئون مطمئن و آزاد میتوانند وظائف تاریخی خویش را انجام دهند و در ساختمان جامعه ها نظور یکه لازم است سهم گیرند .

آینده مسعود جوانان بسته است به مبارزه آنها برای رسیدن به سوسیالیزم نجات آنها از تمام دشواری های زندگی بسته است به اتحاد طبقه کارگر و پیوند جنبش جوانان با مبارزات طبقه کارگر و محو تمام نظامهای پوسیده و ظالمانه در این پیکار ، مبارزه متشکل جوانان حتمی و ضروری است . تاریخ سهم جوانان را در مبارزات ضد امپریالیستی و پیکار آنان را در تمام عرصه های زندگی همیشه بیاد خواهند داشت .



ب: جوانان و مبارزه طبقاتی

۱- مبارزه جوانان :

روشن است که جوانان در جریان مبارزه طبقاتی بی تفاوت مانده نمیتوانند آنها در جامعه دارای حقوقی هستند که باید بدست داشته باشند. آنها بنا بر همبستگی های اجتماعی خویش و بنا بر پیوند های طبقاتی خویش ناگزیر باید مبارزه کنند ولی بیشتر علاقه آنان در این است که منجیث یک صنف و یک قشر با همان منافع معین صنفی و قشری خود در پروسه مبارزات اجتماعی شرکت ورزند و درین مبارزه سازمان صنفی خویش را نیز بسازند و توسط آن مبارزات خویش را ادامه دهند. اما جوانان از آنجا که بر علاوه منافع صنفی خود که این منافع به هیچ صورت منافع عمومی جامعه نیست، منافع وسیعتری یعنی منافع سیاسی هم دارند که باید در بدست آوردن و حفظ آن نیز بکوشند.

دستاوردهای جنبش جهانی جوانان خود مبین نتایج مفید کار خستگی ناپذیر جوانان است در روند عمومی مبارزات طبقاتی امپریالیزم هر نده خود منافع صنفی سیاسی جوانان را تهدید میکنند و نمیکند که آنان طوریکه لازم است وظائف تاریخی خویش را انجام دهند پس کاملاً طبیعی است که جوانان در جریان مبارزات طبقاتی باید در تمام عرصه ها پیکار و مبارزه نمایند.

مبارزات جوانان در مسیر تاریخ همیشه دچار اشتباهات و لغزش ها شده است که این خود ناشی از تزلزل آید یولوژی یک، وابستگی های

گوناگون طبقاتی و با همی خصیات ها و کرکترهای متفاوت در یک
 تشکل معین و مسیر معین میباشد. این کمبودها هر وقت در مبارزات
 جوانان دیده شده است ولی این بدان معنا نیست که آنها نمی توانند
 یا نخواهند توانست در مبارزات طبقاتی بصورت وسیعی شرکت کنند،
 بلکه باید به آنها، جسورانه تر و بدون ترس، میدان فعالیت داده
 شود و اشتباهات شان در این جریان تصحیح گردد.

لنین بمناسبت انتشار مجله از طرف جوانان سوسیالیست سویس
 (در سال ۱۹۱۵) ضمن تأیید مشی انقلابی و ضد اپورتونیستی این
 مجله می نویسد:

«طبیعی است که در این مجله، که ارگان جوانان است،
 هنوز روشنی و استحکام تئوریک وجود ندارد و شاید هم هیچگاه
 بوجود نیاید، درست با این دلیل که ارگان جوانان نیست که دائماً
 در جوش و خروش و جستجو هستند ولی با فقدان روشنی تئوریک در نزد
 چنین کسانی باید طور دیگری برخورد کنیم به چنین کسانی باید
 همه نوع کمک کرد در برابر اشتباهات آنها باید حتی المقدور
 حوصله نشان داد، باید کوشید که این اشتباهات را به تدریج و به
 طور عمده از راه اقتناع تصحیح کرد و نه بوسیله مبارزه. غالباً پیش
 می آید که نمایندگان نسل بالغ و پیر نمی فهمند که باید به شیوه
 درستی به جوانان نزدیک شد که بناچار جوانان از راه های
 دیگری بسوسیالیزم روی می آورند نه از راه و نه بشکل و نه در
 شرایطی مانند پدرانشان.» (۱۰)

۴ سازمان جوانان (*)

از آنجا که جوانان در جامعه دارای نقشی و وظایفی و بنآه صلاحیتی هستند پس باید بمبارزه منظم و متشکل جهت انجام وظایف تاریخی خویش دست زنند ، سازمان معین خویش را بسازند و بوسیله آن مبارزات خویش را ادامه دهند .

سازمان جوانان تشکلی است که در برگیرنده جوانان صرفنظر از وابستگی های طبقاتی وایدئولوژیکی آنها میباشد . این سازمان برای آنکه گردان واقعاً رزمنده جوانان باشد باید از یکسو در راه بسیج تشکل و سپس آموزش و پرورش ایدئولوژیکی جوانان کار کند و از سوی دیگر در جهت استحکام پیوندها با پیشآهنگ انقلابی توده ها ، حزب طراز نوین طبقه کارگر تلاش نماید . تا اینکه بتواند هم خود را استوار و نیرومند بسازد و هم نیرومندان و پر قوت در پروسه عمومی مبارزات انقلابی شرکت ورزد .

سازمان جوانان در هر حالت خود یک سازمان طبقاتی و در ماهیت خود یک سازمان صنفی و قشری است ولی این به هیچ صورت به آن معنا نیست که سازمان جوانان به مبارزه سیاسی نباید دست بزند و فقط به مبارزه صنفی اکتفاء کند ، بلکه بدان معناست که سازمان جوانان متعلق به جوانان است باید پیش از هر چیز مدافع منافع صنفی آنان باشد .

(*) هدف سازمانهای مترقی جوانان است ،

احزاب طراز نوین طبقه کارگر فعالیت مینمایند .

سازمان جوانان میتواند در راه بدست آوردن حقوق و خواسته های سیاسی جوانان هم مبارزه کند.

الف - خصالت سازمان جوانان :

سازمان جوانان خصلتاً يك سازمان توده ای است این سازمان مؤید این نکته است که دوتئوری هر جوان حق و امکان آنرا دارد تا به عضویت آن در آید (البته با پذیرش بر نامه و اساسنامه سازمان) و در پراکتیک سازمان جوانان باید چنان اسلوب و روش کار را در پیش گیرد و به همان اسلوب دست بزند که آنرا قادر به جلب و متشکل ساختن اکثریت هر چه بیشتر و وسیعتر جوانان بنماید و از آنجا که جوانان دارای وابستگی های طبقاتی گوناگون و عقاید سیاسی مختلف و گاه متضاد هستند چنین اسلوبی میتواند حد مشترك خواست اکثریت مطلق جوانان باشد. خصالت ملی (ضد امپریالیستی) و دموکراتیک (ضد فئودالی) ذاتی هر سازمان توده ای انقلابی است. ولی هر سازمان جوانان به صرف اینکه يك سازمان مشخص جوانان است نمیتواند دارای خصالت ملی و دموکراتیک باشد نه آنکه برای ایجاد يك سازمان جوانان خصلتاً ملی و دموکراتیک و همچنین حفظ، بسط و تعمیق این خصالت باید بطور مداوم و پیگیر مبارزه کرد. ملاک ملی و دموکراتیک بودن سازمان جوانان هم اینست که سازمان نه فقط در حرف بلکه در عمل و بویژه در عمل و بر طبق شرایط مشخص مبارزه اولاً در راه خواست های صنفی و سیاسی مشترك بین اکثریت مطلق جوانان و ثانیاً در راه هدفهای عمومی ملی و دموکراتیک توده ها پیکار کند فقط در اینصورت است که نهضت جوانان و سازمان جوانان را میتوان جزء جنبش عمومی ملی و دموکراتیک جامعه شمار کرد.

ب - مبارزه صنفی و سیاسی سازمان جوانان :

جوانان دارای خصالت دوگانه اند . این دو گونه‌گی خصالت از گوناگونی مواضع طبقاتی آنها سرچشمه میگیرد ، آنها از یکسو یک قشرند و منافع خاص صنفی خویش را دارند و از سوئی هم چون جزء جامعه اند بنأء منفعت های هم در جنبش عمومی جامعه دارند که باید برای بدست آوردن آن مبارزه کنند یعنی در پهلوی خواسته های صنفی خواسته های سیاسی نیز دارند توده جوانان وقتی با دقت تمام به محرومیت های صنفی خویش توجه کند آنگاه در مییابد که محرومیت های صنفی و قشری وی از محرومیت های عمومی جامعه جدا نیست و لذا معتقد میگردد که در نبرد و پیکار بخاطر حصول خواسته ها و اهداف صنفی باید خواسته های معین سیاسی نیز داشته باشد .

مبارزات صنفی جوانان فقط در رابطه با جوان بودن آنها مطرح است یعنی در رابطه با اینکه در چه موضعی قرار دارند و دارای چه ایدئولوژی هستند .

منافع و خواسته های شان چیست ، و در رابطه با اینکه موضع معین آنها ایدئولوژی آنها و منحیت جوان منافع و خواسته های آنها از کدام مواضع و از جانب کدام منافع تهدید میشود و هویژه در رابطه با اینکه فضای مساعد و جولانگه وسیع زندگی آنها را چه کس محدود و مختنق میسازد مبارزه صنفی آنها برای مساعد ساختن این فضا و حرکت جوانان آنها و برای ایجاد بستر مطمئن جهت مسیر دادن زندگی خروشان ایشان میباشد . ولی در عین حال از آنجا که تمام این

نارسانئی ها و محدودیتها از زندگی عمومی جامعه منشأ میگیرد ، جوانان باید خواسته های صنفی و قشری خویش را با خواسته ها و نیازمندی های اقتصادی و سیاسی جامعه پیوند دهند و در مبارزات سیاسی نیز شرکت نمایند . آنها وقتی میتوانند مبارزات صنفی خویش را درست و مثمر انجام دهند که تنها در محدوده این شکل مبارزه فرو نروند بلکه مبارزه سیاسی نیز کنند .

در مورد مبارزه صنفی و سیاسی جوانان دوگرایش انحرافی وجود دارد که هر یک بحال نهضت و جنبش جوانان مضر واقع میشود .

گرایش اول مطلق کردن مبارزه صنفی جوانان است . این گرایش زیر تاثیرایدئولوژی های غیر پرولتری است و بورژوازی از آن بهره میگیرد و به این وسیله باروی آوری جوانان بمبارزات سیاسی و از پیوند آنان با پیشآهنگ انقلابی جلوگیری میکند و آنها را تنها بمبارزات صنفی مصروف میدارد .

گرایش دوم انکار مبارزات صنفی و مطلق کردن مبارزات سیاسی است ، این گرایش نیز بحال جنبش جوانان مضر است و این جنبش را به سرایشب انحراف از موازین مبارزات انقلابی و پیشرونده قرار میدهد . در این گرایش جوانان را به تشکیل دسته های کوچک چریکی مؤظف میسازند و برای سرنگونی دولت فرمان میدهند بدون آنکه به نقش توده های ملیونی توجه داشته باشند در این صورت جنبش جوانان فرو میریزد ، بیک نیروی فاقد تحرك مبدل میشود و از جنبش عمومی فاصله میگیرد .

در این مسئله هرست ترین شیوه آنست که جوانان را در پهلوی

آنکه برای بدست آوردن خواسته‌های صنفی و قشری ایشان بسیج میکنیم و مبارزه سوق میدهیم، پیوند آنها را با جنبش عمومی جامعه نیز تأمین میکنیم و ضرورت دگرگونی نظام اقتصادی و سیاسی را توأم با رابطه نارسائی‌های صنفی آنان با نظام اقتصادی و سیاسی جامعه توضیح میدهیم. پس سازمان جوانان نه تنها موظف بمبارزه صنفی است بلکه بمبارزات سیاسی هم باید دست بزند، و نه تنها به تهیه و بسیج جوانان در راه رفع نیازهای صنفی آنان بلکه به سوق آنها بسوی یک مبارزه وسیع سیاسی نیز تلاش کند.

ج - مبارزه علنی و مبارزه مخفی سازمان جوانان:

شکل اصلی مبارزه یک سازمان توده‌ای مبارزه علنی است دلیل آنهم اینست که یک سازمان توده‌ای باید توده‌های هر چه بیشتر را دربرگیرد و بنا برین باید بتواند وسیعترین تماسها و عمیقترین پیوندها را با توده‌ها برقرار کند و به این اهداف در شرایط مخفی نمیتواند نائل آید. یعنی دو شرایط مخفی سازمان توده‌ای بناچار فقط برای حفظ تشکیلات خود تلاش مینماید که در اینصورت عرصه‌های علنی مبارزه را از دست میدهد و بنا موجودیتش برای پیشآهنگ انقلابی ضرور نخواهد بود.

البته این مسئله بدان معنا نیست که سازمان توده‌ای برای حفظ خود در شرایط سرکوب خونین و اختناق مبارزه مخفی نکند بلکه در چنین اوضاع و احوال برای سازمان توده‌ای لازم است تا عادی شدن وضع بصورت مخفی کار کند و تشکیلات خویش را

نگهدارد . فاشیستی ترین رژیم ها نمیتواند شرایط کار مخفی را برای مدت دراز بر يك سازمان مترقی توده ای تحمیل کنند ، در بدترین حالت يك سازمان توده ای باید عرصه های علنی کار را در یابد و از مجراء های دموکراتیک قوانین استفاده کند و پیوند و رابطه پیشآهنگ انقلابی را با توده های وسیع تامین نماید و اگر يك چنین سازمانی نتواند چنین عرصه ها و مجراء ها را در یابد در سرایش بیکارگی و غیر مفید و غیر مشربودن قرار میگیرد و بالاخره محکوم بزوال است .

چون سازمان جوانان هم يك سازمان توده ای است پس تعیین اشکال مبارزات آن در مراحل گوناگون بهمین ترتیبی که در بالا ذکر شد صورت میگیرد .

يك سازمان جوانان با خصلت ملی و دموکراتیک مؤظف است و وسیعترین توده های جوانان را متشکل نماید و رابطه آنها را با پیشآهنگ انقلابی جنبش تامین نماید . بناء باید در کادر قانون عمل کند و عملاً علنی باشد و اگر مبارزه مخفی بالایش تحمیل میشود بصورت مخفی کار خود را ادامه دهد ولی در این شرایط مهمترین وظیفه برای چنین سازمانی مبارزه برای علنی شدن است . این مبارزه باید تا آن زمان صورت گیرد که رژیمهای ارتجاعی مجبور شوند بقبول فعالیت علنی آن سازمان تن در دهند .

بدیهی است که فعالیت علنی بهر قیمت مطرح نیست یعنی يك سازمان توده ای دموکراتیک مثل سازمان جوانان نباید ماهیت مترقی خود را فدای علنی شدن نماید بلکه در همان حال باید سازمان

توده ای بتواند با حفظ ماهیت مترقی خود چنان سیاست و روشی را در پیش گیرد که توسط آن از امکانات فعالیت علنی حداکثر استفاده را نماید با توجه به اینکه خود این مبارزه در آن جهت باید تکامل یابد که قدم به قدم رژیم ارتجاعی به عقب نشینی و ادار شود. مبارزه سازمان‌های توده ای در این زمینه نه فقط کمک بزرگی به تحقق هدفهای این سازمان‌ها است بلکه کمک مؤثری به سازمانها و احزاب سیاسی انقلابی است که در زیر فشار شدید رژیم‌های ارتجاعی غالباً در حالت مخفی و یا نیمه مخفی مبارزه میکنند. زیرا نباید فراموش کرد که سازمانهای توده ای حلقات رابطه و پیوند دهنده سازمان‌های سیاسی مترقی با توده‌ها اند.



توضیحات

- (۱) بقول مجله دنیا سال ۱۱ شماره (۱) صفحه ۸۶
- (۲) » » » » » » » » صفحه ۷۸
- (۳) بنیاد آموزش انقلابی صفحه ۶۴
- (۴) زندگی و آموزش لنین، از انتشارات حزب توده ایران صفحه ۱۸
- (۵) بقول مجله دنیا سال ۱۱ شماره (۱) صفحه ۸۵
- (۶) بقول مجله دنیا سال ۱۱ شماره (۱) صفحه ۷۸
- (۷) مجله دنیا شماره ۱۲ سال ۱۳۵۷ صفحه ۵۰
- (۸) » » » » » » » » صفحه ۵۰
- (۹) منتخبات لنین بزبان فارسی، چاپ مسکو
جلد دوم قسمت اول
- (۱۰) از قول مجله دنیا سال ۱۱ شماره (۱) صفحه ۲۰۹
- ۸۴ صفحه